

بسم الله الرحمن الرحيم

# پیشخوان

## نشست‌های گفتمانی

### الگوی پیشرفت اسلامی

کارگروه گفتمانی الگوی پیشرفت اسلامی

شهر مقدس قم

تیرماه ۱۳۹۲



### فهرست اجمالی

۱. اصلی ترین دغدغه «انقلاب اسلامی» مدیریت تحولات ضد جهت بر مبنای «نظامسازی اسلامی» ..... ۴
۲. تولید «الگوی ساخت نظامات اسلامی» بوسیله پردازش اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۴
۳. جریان «روشنفکری، فهم سنتی از اسلام و انقلاب اسلامی» سه جریان اصلی فعال در مدیریت تحولات اجتماعی ..... ۷
۴. تحقق «نظام سازی اسلامی» در پنج مرحله ی «انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و امت یا تمدن اسلامی» ..... ۱۳
۵. موضوع انتقال یعنی موضوع مرتفع کننده مانع در هر مرحله ..... ۱۷
۶. اتمام شرح اولین مهره اصلی و مهم از «الگوی حفظ جهت» و ضرورت بحث از دو مهره دیگر آن در جلسات آینده ..... ۲۰

۱. اصلی ترین دغدغه «انقلاب اسلامی» مدیریت تحولات ضد جهت بر مبنای «نظام‌سازی اسلامی»  
از آنجا که ثبات در مسیر «حرکت به سمت اهداف اسلامی و جامعه جهانی ظهور»، اصلی ترین دغدغه ی علمای اسلام و رهبران انقلاب اسلامی می باشد و سلسله تحولات اجتماعی مغایر با این جهت، به معنای بی ثباتی در حرکت در این مسیر الهی می باشد، جریان انقلاب اسلامی همواره به دنبال نظام سازی اسلامی برای ایجاد ثبات در این مسیر از طریق به دست گرفتن سر رشته تحولات اجتماعی بوده است.

۲. تولید «الگوی ساخت نظامات اسلامی» بوسیله پردازش اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی  
از همین رو پیشنهاد الگوی ساخت نظامات اسلامی که با پیگیری اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی قابلیت تحقق خواهد یافت، از سوی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در فضای انقلاب اسلامی ایران مطرح و پیگیری گردید.

۲/۱. تبیین اولین مسئله از محور «الگوی حفظ جهت» به عنوان یکی از اصلی ترین محورهای «الگوی ساخت نظامات اسلامی» در کتاب تبیین اصطلاح جهت حرکت انقلاب اسلامی

کتاب تبیین اصطلاح جهت حرکت انقلاب اسلامی در واقع

تبیین اولین مسئله در «الگوی حفظ جهت» به عنوان یکی از اصلی ترین محورهای «الگوی ساخت نظامات اسلامی» می باشد.

۲/۱/۱. تبیین اصطلاح جهت حرکت انقلاب اسلامی مستلزم تعریف اصطلاح مبنا، مبنای انقلاب اسلامی، مراحل تحقق مبنا و موضوعات انتقال میان مراحل تحقق مبنای اسلامی

از این رو، تعریف جهت؛ مستلزم تعریف مبنا، مراحل تحقق مبنا و موضوعات انتقال میان مراحل تحقق مبنای انقلاب اسلامی می باشد.

۲/۱/۱/۱. تعریف مبنا به ایده محوری قابل تحقق و تعریف در همه بخش ها و مکانها و زمانها بدون امکان تغییر و تقیه

مبنا، در واقع آن ایده محوری می باشد که قابلیت تحقق و تعریف و ترجمه در همه بخشها، زمانها و مکانها را داشته و امکان تغییر و تقیه در آن وجود ندارد. از آنجا که اصلی ترین دغدغه ی انقلاب اسلامی در سرنگونی حکومت شاهنشاهی و ایجاد و استقرار نظام اسلامی، مدیریت اسلامی تحولات اجتماعی ایران بوده و هست، بنابراین؛ شناخت ماهیت تحولات و ماهیت مدیریت این تحولات از ضروریات اصلی مورد بحث در این کتاب می باشد.

۲/۱/۱/۱/۱. تعریف تحولات اجتماعی به تغییرات گسترده، عمیق و پررنگ در عرصه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در جهت یا برخلاف جهت جامعه

تحولات اجتماعی در واقع، تغییرات گسترده در همه ی عرصه های اجتماعی، اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را شامل می گردد که تأثیرات این تحولات، متناسب با مبنای ایجاد آن، بسیار عمیق و پررنگ می باشد.

۲/۱/۱/۱/۲. تعریف مصداقی تحول اجتماعی به تغییر نظام آموزشی یک جامعه در مثال جایگزینی آموزش و پرورش با مکتب خانه

به عنوان مثال تحولی به نام آموزش و پرورش به جای مکتب خانه های قدیمی یکی از تحولاتی است که بر مبنای آموزش نیروی متخصص و فنی برای خدمت در بخش خدمات یا صنعت در جامعه ایران به جای یک نهاد تربیتی ایجاد شد. اثرات چنین تحولی بر عرصه سیاست، تربیت نسل های آینده، آموزش عقاید و احکام دین و آموزش های خانواده و تربیت فرزند، آنچنان عمیق و گسترده می باشد که امروز می توان به جرأت، ایجاد جرم در جامعه را به اثرات این تحول عظیم در جامعه ایران نسبت داد.

۲/۱/۱/۱/۳. ضرورت وجود مبنا در مدیریت تحولات عظیم برای ارائه تحلیل و راهکار در این حوادث اجتماعی

مدیریت چنین تحولات عظیم و اثرگذار در جامعه، قطعاً نیازمند مبنا و جهت خاصی می باشد که بتواند براساس آن مبنا به ارائه ی تحلیل راجع به تحولات و حوادث اجتماعی پرداخته و تصمیم سازی و تصمیم گیری بر اساس آن تحلیل را میسر گرداند.

۳. جریان «روشنفکری، فهم سنتی از اسلام و انقلاب اسلامی» سه جریان اصلی فعال در مدیریت تحولات اجتماعی

بر این اساس می توان جریان شناسی مبناهای موجود در مدیریت تحولات اجتماعی ایران را به سه جریان «روشنفکری، فهم سنتی از اسلام و انقلاب اسلامی» منحصر دانست که البته ممکن است گفته شود که جریانات اجتماعی بیشمار دیگری وجود دارند که صاحب مبنای خاص می باشند، اما باید گفت که بازگشت همه مبناهای متکثر موجود به این سه مبنا می باشد.

۳/۱. شروع جریان روشنفکری مصادف با فروپاشی امپراطوری عثمانی و ورود این جریان به مدیریت تحولات اجتماعی جامعه ایران

جریان روشنفکری که از گذشته ای دور و همزمان با فروپاشی امپراطوری عثمانی در جوامع اسلامی خود را به مردم معرفی کرد، یکی از جریاناتی می باشد که یا خالق یک تحول و حادثه اجتماعی

بوده است و یا در حوادث اجتماعی جامعه ایران به دنبال مدیریت آن تحول اجتماعی بوده است.

۳/۱/۱. آسیب شناسی جامعه ایران براساس تعریف مدرنیته به عنوان آرمانشهر و مدینه فاضله توسط جریان روشنفکری و حکم به اصلاح هویت اسلامی برای تسریع و تسهیل فرآیند مدرنیزاسیون

این جریان با فرض حرکت به سمت مدرنیزاسیون و تحقق تمدن مدرن به آسیب شناسی جوامع اسلامی پرداخته و براساس آن مبنای خود برای مدیریت تحولات اجتماعی جوامع اسلامی را مدون نموده اند. ایشان در سه لایه ی استدلال، ضمن معرفی مدرنیته شدن به عنوان آرمانشهر بشریت، کند بودن فرآیند مدرنیزاسیون در این جوامع را به عنوان اصلی ترین آسیب مدرن شدن توصیف کرده و لذا خواستار تسریع و تسهیل این فرآیند می باشند، از سوی دیگر فرهنگ بومی و سنتی جوامع را اصلی ترین علت مقاومت این جوامع در پذیرش ارزشهای مدرن بر این جوامع معرفی کرده و به دلیل به هم پیوستگی و درهم آمیختگی فرهنگ سنتی جوامع اسلامی با دین مبین اسلام، ایشان برای تسریع و تسهیل فرآیند مدرنیزاسیون مبنای خود را در مدیریت تحولات اجتماعی به سمت مدرنیته «اصلاح هویت اسلامی» معرفی می کند.



۳/۱/۱/۱. اصلاح هویت اسلامی مبنای جریان روشنفکری برای ممانعت از ورود تحلیل های ایدئولوژیک در تحلیل حوادث و تحولات اجتماعی  
 این جریان با ورود به تحلیل تحولات اجتماعی جامعه اسلامی ایران و ارائه یک تحلیل علمی محض یعنی بدون دخالت مباحث ایدئولوژیک معتقد است که سرانجام این تحولات در صورت عدم ورود تحلیل های ایدئولوژیک به تحلیل حوادث و تحولات به سرانجام خویش یعنی مدرنیته ختم خواهد شد. لذا برای ممانعت از ورود تحلیل های ایدئولوژیک به تحلیل حوادث به دنبال اصلاح هویت اسلامی می باشد.

۳/۲. تحقق شاخصه های هویت اسلامی آرمانشهر مورد تأکید جریان فهم سنتی از اسلام و مخالفت شدید با اصلاح هویت اسلامی به عنوان مبنای جریان روشنفکری و تعریف مدرنیته به آرمانشهر و مدینه فاضله ی بشریت  
 از سوی دیگر جریان فهم سنتی از اسلام، که از همان ابتدا جریان روشنفکری را در مقابل و در تعارض با اسلام می داند، به شدت با اصلاح هویت اسلامی مخالفت کرده و در استدلال های خویش برخلاف جریان روشنفکری معتقد است که سعادت انسان و آرمانشهر انسان تحقق شاخصه های هویت می باشد،

۳/۲/۱. اعتقاد به تفکیک توسعه مادی از تکامل معنوی و حکم به توسعه کمی و کیفی تبلیغ برای رسیدن به آرمانشهر تحقق شاخصه های هویت اسلامی از سوی جریان فهم سنتی از اسلام

اما به دلیل عدم شناخت دقیق ماهیت تحولات اجتماعی و امر مدیریت تحولات اجتماعی در مرحله بعدی معتقد به تفکیک توسعه مادی از تکامل معنوی می باشد و در نهایت برای تحقق شاخصه های هویت اسلامی، تبلیغ این شاخصه ها را به عنوان مبنای خویش معرفی کرده و در مدیریت تحولات اجتماعی براساس این مبنا به ارائه تحلیل و نظر می پردازد.

۳/۳. مخالفت جریان انقلاب اسلامی به عنوان یک جریان اصلی و اصیل حوزوی با اصلاح هویت اسلامی و اشتراک با جریان فهم سنتی از اسلام در تعریف آرمانشهر انسان و حکم به نظام سازی اسلامی برای رفع تأثیرات توسعه مادی بر تکامل معنوی

جریان انقلاب اسلامی که در واقع یک جریان اسلامی منبعث شده از حوزه های علمیه می باشد، ضمن مخالفت با مبنای جریان روشنفکری و اشتراک با جریان فهم سنتی از اسلام در تعریف آرمانشهر انسان به تحقق شاخصه های هویت اسلامی (تمدن سازی اسلامی)، ضمن مطالعه دقیق ماهیت تحولات و ابعاد مدیریت تحولات اجتماعی، معتقد است بررسی تأثیرات توسعه مادی بر تکامل معنوی ضروری می باشد و به همین دلیل برای تحقق شاخصه های هویت

اسلامی (تمدن سازی اسلامی) می بایست به سمت ساخت نظامات اسلامی حرکت شود و بر همین اساس نیز برای تحلیل مدیریت تحولات و تصمیم سازی و تصمیم گیری به تحولات ورود پیدا می کند.

۳/۳/۱. مدیریت تحولات اجتماعی جامعه ایران بر مبنای هر یک از سه جریان مستلزم ایجاد تحول متناسب با مبنای خویش در سه عرصه «حوزه علمیه، دانشگاه ها و ساختارهای اجرایی کشور»

جریان انقلاب اسلامی و دو رقیب مبنایی او برای موفقیت در مدیریت تحولات اجتماعی مبتنی بر مبنای خویش نیازمند ایجاد تحول در سه عرصه اصلی، اساسی و مهم جامعه یعنی «حوزه علمیه، دانشگاه ها و ساختارهای اجرایی کشور» می باشند. رعایت تناسب مبنای تحول در این سه عرصه با مبنای هر یک از جریانات به معنای ضرورت ترجمه مبنای هر جریان به مبنای تحول متناسب در این سه عرصه می باشد.

۳/۴. «عرفی سازی فقه، تئوریزه کردن فرآیند مدرنیزاسیون در جامعه ایران و اجرای کامل wdi مبنای تحول در سه عرصه حوزه علمیه، دانشگاه ها و ساختارهای اجرایی کشور متناسب با مبنای جریان روشنفکری

جریان روشنفکری، «اصلاح هویت اسلامی» را به مبنای تحول در حوزه ترجمه کرده و «عرفی سازی فقه» را برای جلوگیری از

ورود به تحلیل تحولات اجتماعی دنبال می نماید. این جریان در ترجمه مبنای خویش به مبنای تحول در دانشگاه های کشور نیز «تئوریزه کردن فرآیند مدرنیزاسیون در جامعه ایران» را پیشنهاد می نماید و نهایتاً ترجمه مبنای این جریان به مبنای تحول در ساختارهای اجرایی کشور نیز «اجرای کامل wdi» می باشد. این جریان در صورتی که بتواند تحولات سه عرصه یاد شده را متناسب با ترجمه مبنای خویش متحول نماید، توانسته است جامعه ایران را به سمت مدرنیته متحول کرده و به تسهیل و تسریع مدرنیزاسیون در جامعه اسلامی ایران جامعه عمل پیوشاند.

۳/۵. «گسترش پاسخگویی به مسائل و تربیت فردی، استقلال علمی و اجرای wdi مشروط به عدم مخالفت با اسلام» مبنای تحول در سه عرصه حوزه علمیه، دانشگاه ها و ساختارهای اجرایی متناسب با مبنای جریان فهم سنتی از اسلام

جریان فهم سنتی از اسلام نیز، «تبلیغ هویت اسلامی» را به مبنای تحول در این سه عرصه ترجمه نموده است، ایشان مبنای تحول در حوزه علمیه را متناسب با مبنای خویش «گسترش پاسخگویی به مسائل و تربیت فردی»، مبنای تحول در دانشگاه را «استقلال علمی» و مبنای تحول در ساختارهای اجرایی را «اجرای wdi مشروط به عدم مخالفت با اسلام» معرفی می کند.

۳/۶. «راه اندازی کرسی های فقه حکومتی، اقتدار علمی و اجرای شاخصه های هویت اسلامی» مبنای تحول در سه عرصه حوزه علمیه، دانشگاه ها و ساختارهای اجرایی کشور متناسب با مبنای جریان انقلاب اسلامی

اما جریان انقلاب اسلامی به عنوان یک جریان اصلی در متن جامعه اسلامی ایران، در ترجمه «نظام سازی اسلامی» به مبنای تحول در حوزه علمیه «راه اندازی کرسی های فقه حکومتی»، مبنای تحول در دانشگاه ها را «اقتدار علمی» و مبنای تحول در ساختارهای اجرایی را «اجرای شاخصه های هویت اسلامی» پیشنهاد می کند.

۴. تحقق «نظام سازی اسلامی» در پنج مرحله ی «انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و امت یا تمدن اسلامی»

پس از ترجمه مبنای سه جریان اصلی در مدیریت تحولات اجتماعی جامعه ایران به مبنای تحول در سه عرصه اصلی اجتماع، اینک باید گفت که از آنجا که نظام سازی امری تدریجی می باشد، مبنای انقلاب اسلامی که «نظام سازی اسلامی» می باشد قرار است در چند مرحله محقق شود. بنابر تقریر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله امام خامنه ای (زید عزه)، نظام سازی اسلامی در جامعه ایران شامل پنجم مرحله می شود. به عبارت رساتر نظام سازی اسلامی در پنج مرحله به تدریج محقق خواهد شد که آن پنج مرحله عبارتند از مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و

امت یا تمدن اسلامی.

۴/۱. تعریف پنج مرحله تحقق نظام سازی اسلامی به ویژگی های درونی آن و بخشی از مبنای جریان انقلاب اسلامی در هر مرحله گرفتن اختیارات اجتماعی از غیر معتقدین به مبنای انقلاب اسلامی و سپردن آن به معتقدین به این مبنا را انقلاب اسلامی، تثبیت درونی حکومت ولایت فقیه و پذیرش بین المللی آن را نظام اسلامی، توانمند سازی ساختارهای موجود کشور برای برنامه ریزی براساس مبنا را دولت اسلامی، تحقق شاخصه های هویت اسلامی در جامعه اسلامی و پذیرش آن از سوی جامعه ایران را جامعه اسلامی و الگو برداری از الگوی محقق کننده شاخص های هویت اسلامی توسط ملت ها و کشورهای جهان را متناسب با شرایط اقلیمی و بومی خویش مرحله تمدن یا امت اسلامی می باشد

۴/۲. تحقق مبنا در هر مرحله از مراحل تحقق مبنای انقلاب اسلامی مستلزم تحقق مبنای تحول در حوزه علمیه، دانشگاه ها و ساختارهای اجرایی متناسب با مبنای جریان انقلاب اسلامی

چنانچه قبلاً در تحقق مبنا گفته شد، تحقق مبنای هر یک از جریانات اجتماعی حاضر در مدیریت تحولات اجتماعی جامعه ایران نیازمند ترجمه مبنای آن جریان به مبنای تحول در سه بخش اصلی جامعه یعنی حوزه علمیه، دانشگاه ها و ساختارهای اجرایی کشور می

باشد، اینک می بایست در پاسخ به این سؤال که چگونه از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی منتقل شویم؟ می بایست مراحل تحقق مبنای تحول در حوزه علمیه، دانشگاه ها و ساختارهای اجرایی کشور را متناسب با مبنای جریان انقلاب را هم ترسیم نماییم.

۴/۲/۱. «استنباط مسائل و احکام فردی به روش اخباریگری، استنباط اصولی مسائل فردی و استنباط اصولی مسائل اجتماعی و فردی» سه مرحله گذشته، حال و آینده حوزه های علمیه برای تحقق «راه اندازی کرسی های استنباط فقه حکومتی»

مرحله ی گذشته حوزه علمیه «استنباط مسائل و احکام فردی به روش اخباریگری» می باشد، مرحله حال حوزه علمیه، «استنباط اصولی مسائل فردی» می باشد، لذا برای تحقق مبنای انقلاب در بخش حوزه علمیه که «راه اندازی کرسی های استنباط فقه حکومتی» می باشد می بایست حوزه علمیه از مرحله فعلی به مرحله «استنباط اصولی مسائل اجتماعی و فردی اسلام» منتقل شود تا مبنای مورد نظر جریان انقلاب اسلامی درحوزه محقق شده و در نتیجه بخشی از نظام سازی اسلامی در مرحله دولت اسلامی محقق شود.

۴/۲/۲. «پاسخگویی به نیازهای توسعه مادی، پاسخگویی به نیازهای مبنای انقلاب و تولید علوم و تکنولوژی اسلامی» سه مرحله حال، آینده نزدیک و آینده دور دانشگاه ها متناسب با اقتدار علمی به عنوان مبنای تحول در دانشگاه های کشور براساس مبنای جریان انقلاب اسلامی

مرحله فعلی دانشگاه های کشور که متناسب با مبنای جریان فهم سنتی از اسلامی می باشد «پاسخگویی به نیازهای توسعه مادی» می باشد، مرحله آینده دانشگاه متناسب با مبنای انقلاب اسلامی «پاسخگویی به نیازهای مبنای انقلاب» و مرحله آینده دور دانشگاه نیز «تولید علوم و تکنولوژی اسلامی» می باشد.

۴/۲/۳. «برنامه ریزی براساس شاخصه های **wdi**، تبیین تفاوت برنامه ریزی براساس **wdi** با برنامه ریزی براساس الگوی پیشرفت اسلامی و برنامه ریزی براساس شاخصه های هویت اسلامی» سه مرحله حال، آینده نزدیک و آینده دور تحول در ساختارهای اجرایی متناسب با مبنای جریان انقلاب اسلامی

مرحله فعلی ساختارهای اجرایی کشور «برنامه ریزی براساس شاخصه های **wdi**» می باشد، مرحله آینده تحقق مبنای تحول در ساختارهای اجرایی کشور متناسب با «نظام سازی اسلامی» به عنوان مبنای جریان انقلاب اسلامی، «تبیین تفاوت برنامه ریزی براساس شاخصه های **wdi** با برنامه ریزی براساس الگوی پیشرفت اسلامی» می باشد، مرحله آینده دور ساختارهای اجرایی متناسب با مبنای جریان انقلاب اسلامی «برنامه ریزی براساس شاخصه های هویت



اسلامی» می باشد.

پس از تبیین وحدت و کثرت مراحل تحقق مبنای انقلاب اسلامی در جامعه و سه عرصه اصلی آن، یک سؤال اصلی مطرح می شود، چگونه از مرحله فعلی یعنی دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی منتقل شویم؟ برای پاسخ به این سؤال می بایست به تعریف موضوع انتقال و موضوعات انتقال هر مرحله بپردازیم.

۵. موضوع انتقال یعنی موضوع مرتفع کننده مانع در هر مرحله  
تعریف موضوع انتقال در واقع با مطالعه وضعیت موجود هر مرحله و شناسایی مانع تحقق مینا در آن مرحله شناسایی و تعریف می گردد، بنابراین موضوع انتقال در واقع آن موضوعی می باشد که مانع موجود در مسیر تحقق مبنای انقلاب اسلامی در آن مرحله را مرتفع می نماید.

۵/۱. «ولایت فقیه» موضوع انتقال و عبور از «ارزشگذاری در حکومت لیبرال دموکرات براساس پسند اجتماعی»، اولین مانع در مرحله اول انقلاب اسلامی و نظام سازی اسلامی برای تحقق شاخصه های هویت اسلامی  
اولین مانع، در مسیر جریان انقلاب اسلامی در مرحله اول می باشد که همان مرجع قرار گرفتن پسند اجتماعی (اکثریت) در

ارزشگذاری های اجتماعی در حکومت های لیبرالی و دموکراتیک می باشد. از آنجا که این حکومت ها از نوع دموکراتیک می باشد. هیچ گاه اسلام را به عنوان مرجع ارزشگذاری جامعه نمی پذیرد و از آنجا که انقلاب اسلامی برای تحقق شاخصه های اسلامی بوجود آمده است لذا انتخاب چنین نوعی از حکومت و یا انواع دیگر از حکومت که همگی برگرفته از رأی اکثریت و قرار دادن این پسند اجتماعی در ارزشگذاری اجتماعی می باشد. برای انقلاب اسلامی منجر به نابودی مبنای انقلاب اسلامی می شد. تئوری ولایت فقیه در واقع موضوعی می باشد که توسط رهبران انقلاب اسلامی برای برداشتن اولین مانع یعنی: تعیین نوع حکومت طرح و پردازش شده است.

۵/۲. «دفاع مقدس» موضوع انتقال و عبور از «فقدان نیروی انسانی کارآمد و متخصص و فقدان مقبولیت بین المللی» به عنوان مانع اصلی مرحله دوم انقلاب اسلامی

پس از عبور از مرحله انقلاب اسلامی بوسیله «تئوری ولایت فقیه»، انقلاب اسلامی در دومین مرحله تحقق مبنای خویش با مانعی به نام عدم توانایی در مدیریت داخلی و عدم پذیرش بین المللی حکومت ولایت فقیه می باشد که با تحمیل جنگ هشت ساله به انقلاب اسلامی از سوی دنیا و دفاع مقدس مردم ایران توانستیم علاوه بر ایجاد نیروهای توانمند برای اداره جامعه توانستیم حکومت ولایت

فقیه را به عنوان نوعی از حکومت در عرصه بین المللی به پذیرش برسانیم. بنابراین «جنگ و دفاع مقدس هشت ساله» موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی می باشد.

۵/۳. «تولید الگوی پیشرفت اسلامی» موضوع انتقال و عبور از «برنامه ریزی براساس ادبیات توسعه» به عنوان مانع اصلی تحقق مبنا در مرحله فعلی یعنی مرحله سوم برای ورود به مرحله چهارم

مانعی که در مرحله دولت اسلامی برای تحقق «نظام سازی اسلامی» وجود دارد، برنامه ریزی ساختارهای کشور براساس توسعه می باشد. در واقع الگوی توسعه غربی ابزار تحقق نظام سازی مدرن و ساخت تمدن مدرنیته می باشد، پس با برنامه ریزی براساس ادبیات توسعه تحقق نظام سازی اسلامی برای رسیدن به تمدن اسلامی غیر ممکن می باشد. تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» در واقع موضوع انتقال مرحله فعلی یعنی مرحله دولت اسلامی برای توانمند سازی ساختارهای نظام برای برنامه ریزی براساس شاخصه های هویت اسلامی می باشد. که با تولید الگوی پیشرفت اسلامی در واقع از مرحله دولت اسلامی به مرحله بعدی یعنی جامعه اسلامی منتقل خواهیم شد.

۵/۴. «ایجاد بانک اطلاعات اسلامی» موضوع انتقال و عبور از «فقدان آشنایی بین المللی با الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان مانع اصلی تحقق مبنا در مرحله چهارم و ورود به مرحله تمدن اسلامی

عدم پذیرش شاخصه های هویت اسلامی از سوی مردم و ملت های دنیا چهارمین مانع در مسیر تحقق نظام سازی اسلامی برای تمدن سازی اسلامی و تحقق شاخصه های هویت اسلامی می باشد. ایجاد «بانک اطلاعات اسلامی» برای پاسخگویی به سئوالات و مشکلات و مسائل مردم دنیا برای اجرای الگوی پیشرفت اسلامی متناسب با شرایط فرهنگی اقلیمی و بومی آنها در واقع موضوع انتقال از مرحله جامعه اسلامی به مرحله امت یا تمدن اسلامی می باشد.

۶. اتمام شرح اولین مهره اصلی و مهم از «الگوی حفظ جهت» و ضرورت بحث از دو مهره دیگر آن در جلسات آینده

تا اینجا اولین مهره بحث و البته مهمترین مهره بحثی در محور الگوی حفظ جهت مورد بحث قرار گرفت در مجلد های بعدی می بایست تبیین مفهوم موضوعات جهت ساز و تبیین ترجمه جهت، به موضوعات جهت ساز، مورد بحث قرار خواهد گرفت.